



کاربست نظریه تضاد منافع در تبیین نقش مالکیت دولتی در رابطه بین معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی

سید مهدی حسینی هرندی^۱

محسن صادقی*^۲

میثم فروغی ابری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

چکیده

در اقتصادهای مدرن، مالیات مهم‌ترین منبع درآمد دولت است. از طرفی مالیات کاهنده ارزش شرکت‌ها و شرکت‌ها همواره در پی یافتن راه‌هایی هستند تا از پرداخت مالیات سرباز زنند. از جمله این راه‌ها می‌توان به معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و قیمت‌گذاری انتقالی بین این‌گونه معاملات اشاره کرد. در این میان شرکت‌های با مالکان عمده دولتی به واسطه حافظ منافع دولت می‌توانند به‌عنوان مکانیسم حاکمیت شرکتی مؤثری در برابر اقدامات مدیریت مانند معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته به‌قصد پرهیز از پرداخت مالیات عمل نمایند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌گری مالکیت دولتی است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-همبستگی است. پژوهشگر با استفاده از داده‌های ترکیبی ۲۸۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ و به کمک رگرسیون خطی چندگانه دریافت که معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی با استفاده از شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی رابطه مثبت و معنادار دارد در صورتی که با استفاده از شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری ندارد. همچنین، نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان داد مالکیت دولتی بر رابطه میان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معنادار دارد. با این حال، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که چارچوب نظارتی باید برای در نظر گرفتن معامله بر اشخاص وابسته برای محافظت از منافع سهامداران اقلیت شرکت‌های با مالکیت غیردولتی تجدیدنظر شود.

واژه‌های کلیدی: معاملات با اشخاص وابسته، معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، اجتناب مالیاتی، مالکیت دولتی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Hosseini.harandi@mau.ac.ir

^۲ استادیار، گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). Mohsen_ms_sadeghi@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Meysam.forooghi@mau.ac.ir

۱-مقدمه

شرکت‌ها با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی پرداخته‌اند. رشد اقتصادی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه باعث ایجاد معامله با اشخاص وابسته شده است. معاملات با اشخاص وابسته امکان تبادل منابع، خدمات و یا تعهدات باشخصیت‌هایی مانند سهامداران عمده، شرکت‌های وابسته و واحدهای فرعی را فراهم می‌سازد (هوانگ و لیو^۱، ۲۰۱۰). منافع این معاملات را می‌توان پایین بودن هزینه معاملات و افزایش ارزش شرکت (یانگ و وانگ^۲، ۲۰۱۳)، کوتاه‌سازی فرایند مذاکرات بین طرفین و تنظیم مجدد و بهینه‌تر فعالیت‌های عملیاتی شرکت خواهد بود (حبیب، محمدی و جیانگ^۳، ۲۰۱۷).

معاملات فرصت‌طلبانه با اشخاص وابسته، نقشی اساسی در رسوایی‌های مالی داشته است. این امر محققین را به بررسی عوامل تعیین‌کننده پدیده معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود سوق داده است (گاوانا، گوترادو و مویسلو^۴، ۲۰۲۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ‌های مالیاتی بالا باعث می‌شود، شرکت برای جلوگیری از افزایش پرداخت هزینه‌های مالیاتی، از طریق فروش با قیمت‌های پایین به افراد وابسته تلاش می‌کند تا سود شرکت را دست‌کاری و میزان مالیات پرداختی به دولت را مدیریت نمایند (نوریتومو و همکاران، ۲۰۱۸).

بر اساس نظریه تضاد منافع، معاملات با اشخاص وابسته به طور فرصت‌طلبانه‌ای توسط مدیران یا سایر سهامداران در جهت کسب منافع شخصی استفاده شده و می‌تواند نتایج عملیات شرکت را گمراه ساخته و اثر نامساعدی بر ثروت سهامداران اقلیت بگذارد.

در بررسی عوامل تعیین‌کننده اجتناب مالیاتی، مالکیت دولت به‌عنوان تعیین‌کننده مهم اجتناب از مالیات شناخته شده است (لای و تانیا^۵، ۲۰۱۳). اگرچه معاملات با اشخاص وابسته باهدف اجتناب از پرداخت مالیات باعث

در اقتصادهای مدرن، مالیات مهم‌ترین منبع درآمد دولت است که نقش کلیدی در ایجاد رشد پایدار و عادلانه دارد (هاریانو و دیستاساری^۶، ۲۰۲۳). در ایران نیز پس از نفت، مالیات مهم‌ترین منبع درآمد دولت است (نیاوند، ۱۴۰۰). بااین‌حال، با توجه به اینکه پرداخت مالیات باعث انتقال ثروت از سهامداران به دولت می‌گردد، اغلب شرکت‌ها تلاش می‌کنند برنامه‌ریزی داشته باشند تا بتوانند پرداخت مالیات را کاهش دهند (بویکر، درویچ و نگویان^۷، ۲۰۲۲)، از معمول‌ترین برنامه‌ریزی‌ها، اجتناب مالیاتی است (سریتاران، صلواتی و چنوک^۸، ۲۰۲۱).

در سال‌های اخیر، گزارش‌های خبری متعدد نشان داده‌اند که شرکت‌ها و بخصوص شرکت‌های چندملیتی چقدر درگیر اجتناب مالیاتی هستند. این استراتژی‌های بهینه‌سازی مالیاتی توسط قانون منع نشده‌اند، اما بر بهره‌برداری از طیف گسترده‌ای از خلأهای قانونی متکی هستند (فوئست، اسپینگل، نایک، حکیمیر و نوسر^۹، ۲۰۱۳).

اجتناب مالیاتی اقدامی است که توسط مالیات‌دهندگان برای اجتناب یا کاهش تعهدات مالیاتی انجام می‌شود اما در عمل قانون مالیات را نقض نمی‌کند (هانلون و هیتزمن^{۱۰}، ۲۰۱۰).

پژوهشگران اثر عوامل مختلفی مانند رقابت در بازار محصول (خدای پور و برزایی، ۱۳۹۴)، تخصص مالی مدیران (هوانگ و ژانگ^{۱۱}، ۲۰۱۹؛ رجایی‌زاده هرندی، ۱۴۰۰)، توانایی مدیریتی (پارک، یولکو، جانگ^{۱۲}، ۲۰۱۶)، نقش و انگیزه هیئت‌مدیره (خواجوی، ولی پور و کواوبانی فرد، ۱۳۹۷) بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها مورد بررسی قرار داده‌اند. تاکنون پژوهشگران اندکی بخصوص در ایران به بررسی اثر معاملات غیرعادی

¹. Haryanto & Ditasari

². Boubaker, Derouiche & Nguyen

³. Sritharan, Salawati & Cheuk

⁴. Fuest, Spengel, Finke, Heckemeyer & Nusser

⁵. Hanlon & Heitzman

⁶. Huang & Zhang

⁷. Park, Youl Ko, Jung

⁸. Huang & Liu

⁹. Yang & Wong

¹⁰. Habib, Muhammadi & Jiang

¹¹. Gavana, Gottardo & Moisello

¹². Chan, Phyllis, Lai & Tanya

معاملات با اشخاص وابسته به هرگونه معاملات وابسته با روند عملیاتی شرکت شامل افزایش سرمایه، خرید مواد اولیه تولید، فروش شرکت، استخدام کارگران، اجاره دارایی‌ها، خرید و واگذاری دارایی‌ها و امضای حق امتیاز قراردادهای به‌قصد انتقال منابع، خدمات و یا تعهدات به اشخاص وابسته صرف‌نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن می‌گویند (هوانگ و لیو، ۲۰۱۰).

دو نظریه مختلف و متضاد تئوری نمایندگی و نظریه معامله کارآمد در زمینه، معاملات با اشخاص وابسته مطرح است. براساس نظریه تضاد منافع معاملات با اشخاص وابسته ثبت‌شده؛ دلالت بر خطر اخلاقی و سو استفاده مدیران از ثروت و منابع سهامداران در راستای منافع شخصی دارد (گوردون، هنری و پالیا، ۲۰۰۴).

بر اساس تئوری نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته راهکار مدیریتی و یا مالکیت قدرتمند برای انتقال دارایی‌ها و ثروت شرکت به خود و اجتناب از پرداخت مالیات بشمار می‌رود. بر اساس این دیدگاه استدلال می‌شود که مدیران مقدار زیادی از مزایا را به افراد وابسته منتقل خواهند کرد و از طریق این رخداد که کاهنده منافع و ثروت سهامداران و میزان سودآوری واحد اقتصادی است، میزان مالیات پرداختنی به دولت را کاهش می‌دهند (هاریانو و دیتاساری، ۲۰۲۳). با توجه به رابطه مثبت در مورد ارتباط بین مالکیت دولتی و اجتناب مالیاتی، مالکیت دولتی بیشتر منجر به اجتناب مالیاتی بیشتر می‌شود چون مالکان دولتی به خاطر نزدیکی با دولت در مورد راهبردهای مالیاتی خود، نظارت کمتری دارند (نگویان، ۲۰۲۰). از طرفی بر اساس نظریه معاملات کارآمد، معاملات با اشخاص وابسته را بخشی از فعالیت‌های معمول و قانونی معاملاتی شرکت‌ها بشمار می‌آورد و استدلال می‌کند که این‌گونه معاملات نه‌تنها برای منافع سهامداران مضر نیستند بلکه برای ذینفعان مفید هستند. بر اساس این دیدگاه معامله با اشخاص وابسته نوعی روش بهینه‌سازی تخصیص منابع داخلی، کاهش هزینه‌های مبادله، تسهیل در برآورده شدن حقوق مالکیت و قراردادهای ضروری برای شرکت به شمار می‌رود (رینگارت و توماس، ۲۰۱۲). این دیدگاه معاملات با اشخاص وابسته را به‌عنوان یک مبادله

انتقال ارزش از دولت به سرمایه‌گذاران می‌شود، اما نتیجه این انتقال کاهش منابع در اختیار دولت خواهد بود که باعث می‌گردد تا شرکت‌های با مالکیت دولتی انگیزه کمتری برای مشارکت در فعالیت‌های برنامه‌ریزی برای اجتناب مالیاتی داشته باشند (رضائی پسته نویی و غلامرضاپور، ۱۳۹۹؛ برادشاو، لیاو و ما، ۲۰۱۸).

توجه به نقش بااهمیت درآمدهای مالیاتی در برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی و همچنین نبود پژوهش‌های کافی، باعث ایجاد انگیزه در پژوهش حاضر شد تا رابطه معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیات شرکت با توجه به نقش تعدیل‌گری مالکیت دولتی به‌عنوان مطالعه پژوهشی در نظر گرفته شود. انتظار می‌رود نتایج حاصل از پژوهش حاضر موجب گسترش مبانی نظری در این حوزه گردد. همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان خواهد داد تا چه اندازه معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته می‌تواند بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران اثرگذار باشد و آیا مالکیت دولتی می‌تواند شدت و جهت این رابطه را تحت تأثیر قرار دهد که این موضوع می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در اختیار قانون‌گذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و دیگر ذینفعان مانند دولت قرار دهد. یافته‌های این مقاله ادبیات مربوط به مفاهیم معامله با اشخاص وابسته، عوامل تعیین‌کننده مالیات بر درآمد شرکت‌ها و نقش مالکیت دولتی به‌عنوان سازوکار حاکمیت شرکتی را گسترش می‌دهد. همچنین شواهدی تشریح می‌شود که وضعیت کشور را با محیط قانونی برخی کشورها مانند کره و چین بتوان مقایسه کرد و قوانینی محدودکننده (از جمله قانون فروش بیش‌ازحد و ممنوعیت وام به مدیرعاملان یا سهامداران کنترل‌کننده) برای شرکت‌های با مالکیت غیردولتی وضع کرد. همچنین باعث ایجاد ایده‌های نو در زمینه بررسی روابط موجود بین مالکیت دولتی و حداکثر کردن ثروت سهامداران می‌شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رابطه معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی

³ . Gordon, Henry & Palia

⁴ . Ryngaert and Thomas

¹ . Bradshaw, Liao & Ma

² . Huang & Liu

شرکتی بتواند با سلب توانایی‌های منفعت طلبانه مدیریت و سایر سهامداران عمده شرکت، با به حداقل رساندن معاملات با اشخاص وابسته از منافع سهامداران خرد محافظت نموده و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد (بادآور نهندی و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی، با واقعی نمودن سودآوری شرکت‌ها میزان مالیات پرداختی به دولت نیز واقعی و مخارج سرمایه در گردش دولت را تأمین می‌کند که باعث توزیع عادلانه ثروت و درآمد در بین اعضای جامعه می‌گردد. به‌طور کلی، اگرچه معاملات با اشخاص وابسته به‌قصد فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات باعث انتقال ارزش از دولت به سرمایه‌گذاران می‌شود، اما نتیجه این انتقال کاهش منابع در اختیار دولت خواهد بود که باعث می‌گردد تا شرکت‌های با مالکیت دولتی انگیزه کمتری برای مشارکت در فعالیت‌های برنامه‌ریزی برای اجتناب مالیاتی داشته باشند (برادشاو و همکاران، ۲۰۱۸).

۳- پیشینه پژوهش

چن^۴ (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی "تأثیر روابط اجتماعی بین مدیرعامل/مدیر مالی و اعضای مستقل هیئت‌مدیره بر معاملات با اشخاص وابسته پرداخت. یافته‌ها نشان داد علاوه بر مقررات سخت‌گیرانه چین در مورد معامله با اشخاص وابسته، تأثیر مثبت روابط اجتماعی بر معاملات با اشخاص وابسته، برای شرکت‌های دولتی بارزتر است.

آردیلا و وانسا^۵ (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی "تأثیر ساختارهای حاکمیت شرکتی، ارتباطات سیاسی و قیمت‌گذاری انتقالی بر اجتناب مالیاتی" پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که هیئت‌مدیره مستقل تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی دارد، ارتباطات سیاسی تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد.

سوپاتمی و همکاران^۶ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی معاملات غیرعادی اشخاص وابسته، ارتباطات سیاسی و ارزش شرکت در کشور اندونزی پرداختند. نتایج آزمون نشان داد که معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین ارتباطات سیاسی

تجاری سالم که می‌تواند نیازهای اقتصادی شرکت‌ها را برآورده نماید، در نظر می‌گیرد که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر معاملات تجاری داشته باشد (پنگ، وی و یانگ^۱، ۲۰۱۱) بر اساس این دیدگاه، دو طرف نسبت به آنچه در هنگام انجام معاملات بین شرکت‌ها و اشخاص ثالث رخ می‌دهد، نفع می‌برند (کای، لیو، ژیان و یو^۲، ۲۰۱۵). با توجه به این دیدگاه منفی و کاربست نظریه تضاد منافع در مورد ارتباط بین مالکیت دولتی و اجتناب مالیاتی، مالکیت دولتی بیشتر منجر به اجتناب مالیاتی کمتری می‌شود. چون صاحبان مؤسسات نگران عواقب بلندمدت راهبردهای مالیاتی هستند و از راهبرهای جسورانه کمتری استفاده می‌کنند؛ بنابراین، مدیران شرکت‌های دولتی به دلیل ارتباط با مقامات دولتی و انتظار ارتقاء در آینده، اجتناب مالیاتی کمتری دارند (نگویان، ۲۰۲۰)؛ بنابراین، معاملات با اشخاص وابسته در بهبود اقتصاد بازار ضروری است و نسبت مستقیم با بهبود عملکرد و سودآوری شرکت و افزایش میزان مالیات پرداختی به دولت دارد (هاریانوو و دیستاساری، ۲۰۲۳).

اثر تعدیل‌گری مالکیت دولتی بر رابطه معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی

اگرچه منابع حاصل از اجتناب از پرداخت مالیات را می‌توان مجدداً سرمایه‌گذاری کرد و ارزش‌افزوده حاصل‌شده را به سهامداران بازگرداند، اما غالباً منابع حاصل از اجتناب مالیاتی در راستای اهداف و منافع بخش خاصی از مدیریت و مالکیت عمده شرکت بکار گرفته می‌شود و سایر سهامداران جز از آن منتفع نمی‌شوند (حسن و لوبو و ژیو^۳، ۲۰۲۱). بالا بودن هزینه‌های مالیاتی باعث شده است تا تلاش‌های مختلفی مانند معاملات با اشخاص وابسته توسط شرکت‌ها برای کاهش مالیات و هزینه‌هایی که باید به دولت بپردازند، انجام گردد. با این حال، بر اساس تئوری نمایندگی معاملات با اشخاص وابسته به‌عنوان یکی از راه‌های بهره‌برداری از ثروت سهامداران خرد در جهت منافع سهامداران عمده بشمار می‌رود (نوریتومو و همکاران، ۲۰۱۸). انتظار می‌رود مالکیت دولتی، به‌عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت

⁴ chen.

⁵ . Ardillah & Vanesa

⁶ Supatmi et al.

¹ . Peng, Wei & Yang

² . Cai, Liu, Qian & Yu

³ . Hasan, Lobo. & Qiu

ارتباط بین عدم اطمینان محیطی، مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی " پرداختند. نتایج تجربی نشان داد که عدم اطمینان محیطی دارای تأثیر مستقیم و معناداری بر اجتناب مالیاتی و متغیر مالکیت نهادی دارای تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی است.

بندریان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان رابطه ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته با ارزش شرکت: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بر اساس نتایج مشخص شد شرکت‌هایی که مدیران آن علاوه بر داشتن ارتباطات سیاسی به دنبال اهداف اجتناب مالیاتی نیز هستند، ارزش شرکت کاهش می‌یابد. به عبارتی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معامله با اشخاص وابسته و ارزش شرکت و همچنین بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول پژوهش: معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار دارد.

فرضیه دوم پژوهش: مالکیت دولتی بر رابطه میان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معنادار دارد.

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر با شناخت و بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم رابطه معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌گری مالکیت دولتی، مبنای کاربردی برای سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل و غیره فراهم خواهد نمود؛ بنابراین در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد و از لحاظ ماهیت مالی- رفتاری است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ است. جهت انتخاب نمونه پژوهش از روش حذف سامانمند استفاده شده است. بدین‌صورت که شرکت‌های تحت بررسی جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ و واسطه‌گری مالی نباشند. کلیه داده‌های موردنیاز پژوهش برای شرکت‌های موردبررسی؛

رابطه بین معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و ارزش شرکت را تشدید می‌کند و نظریه نمایندگی بهتر تأثیر ارتباطات سیاسی را توضیح می‌دهد.

نگویان (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی "تأثیر معاملات با اشخاص بر اجتناب مالیاتی در ویتنام پرداخت. بر اساس نتایج آزمون، مشخص شد که شرکت‌های دارای مالکیت دولتی نرخ مؤثر مالیاتی بیشتری دارند. همچنین مالکیت دولتی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و معامله با اشخاص وابسته را کمتر تقویت می‌کند. همچنین ارتباط بین معامله با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی که سهامداران دولتی دارند، کمتر از همتایان مالکیت غیردولتی است.

دارما^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی "تأثیر معاملات با اشخاص وابسته و سرمایه‌گذاری ناچیز بر راهبردهای اجتناب از مالیات در کشور اندونزی" پرداخت. یافته‌ها نشان داد که معامله خریدوفروش با اشخاص وابسته بر نرخ مالیات مؤثر تأثیری ندارد؛ اما متغیرهای سرمایه‌گذاری اندک، اندازه شرکت و سودآوری بر نرخ مؤثر مالیات تأثیر مثبت و معنادار دارند.

نوریتومو و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی "رابطه معاملات با اشخاص وابسته و اجتناب مالیات با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌گری حاکمیت شرکتی" پرداختند. نتایج نشان داد معامله با اشخاص خارجی وابسته به‌عنوان استراتژی اجتناب مالیاتی و روشی برای کسب مزایای مالیاتی بشمار می‌رود. همچنین، حاکمیت شرکتی کارآمد موجب تضعیف رابطه میان معاملات با اشخاص وابسته و اجتناب مالیات شرکت‌ها می‌گردد.

خواجوی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی "رابطه بین اجتناب مالیاتی و ضعف کنترل‌های داخلی" پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین ضعف کنترل‌های داخلی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، پایین بودن میزان نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های دارای ضعف بالا در کنترل‌های داخلی است اما این مورد در خصوص تفاوت دفتری مالیات مصداق پیدا نمی‌کند.

جلالی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به "بررسی

². Nuritomo et al.

¹. Darma

اول پژوهش تأیید و حاکی از آن است که معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات نقدی) رابطه مثبت و معنادار دارد. در ادامه جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۲) استفاده می‌گردد.

مدل (۲)

$$Ta_A_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Abn_Rpt_{it} + \alpha_2 SO_PRESENCE_{it} + \alpha_3 Abn_Rpt * SO_PRESENCE_{it} + \alpha_4 Size_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \alpha_6 Roa_{it} + \alpha_7 Growth_{it} + \alpha_8 Mb_{it} + \alpha_9 Capint_{it} + \alpha_{10} Inv_{it} + \alpha_{11} Years_{it} + \alpha_{12} Industry_{it} + \varepsilon$$

که در این مدل $SO_PRESENCE_{it}$: مالکیت دولتی و $Abn_Rpt * SO_PRESENCE_{it}$: اثر تعدیل‌گری مالکیت دولتی و معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته است. برای پذیرش فرضیه دوم، پس از برآورد مدل (۲) و در صورتی که ضریب α_3 منفی و معنادار باشد، فرضیه دوم پژوهش تأیید و حاکی از آن است که مالکیت دولتی بر رابطه میان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معنادار دارد.

روش گردآوری متغیرهای پژوهش در این قسمت ارائه شده است:

الف) متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی است که از دو شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی و نرخ مؤثر مالیات تعهدی برای محاسبه‌اش استفاده شده است.

نرخ مؤثر مالیات نقدی: برای محاسبه این متغیر از نسبت مالیات نقدی پرداختی (تأدیه شده) شرکت t در سال t بر سود عملیاتی شرکت t در سال t محاسبه می‌شود (آقایی، حسینی و باقری، ۱۳۹۷؛ نگویان، ۲۰۲۰).

نرخ مؤثر مالیات تعهدی: برای محاسبه این متغیر از نسبت مالیات (تأدیه شده) شرکت t در سال t بر درآمد قبل از مالیات شرکت t در سال t محاسبه می‌شود (نگویان، ۲۰۲۰).

ب) متغیر مستقل: در این پژوهش معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته است. ماده ۱۲۹ اصلاحیه قانون تجارت درباره شرکت‌های سهامی الزام می‌نماید که هیئت‌مدیره شرکت‌ها، در ارتباط با معامله با اشخاص وابسته، گزارشی به اولین مجمع عمومی صاحبان سهام ارائه نماید که در یادداشت توضیحی به صورت پیوست صورت‌های مالی افشا می‌شود. در این پژوهش برای محاسبه متغیر معاملات

موجود باشد. شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشد. معاملات سهام شرکت به‌طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یادشده اتفاق نیفتاده باشد. با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۲۸۳ شرکت به‌عنوان جامعه آماری نهایی پژوهش انتخاب گردید.

جهت گردآوری منابع نظری و ادبیات موضوعی از منابع کتابخانه‌ای، پایان‌نامه‌ها، نشریات معتبر بین‌المللی که به‌صورت آنلاین در پایگاه‌های اینترنتی موجود است و سایر پایگاه‌های علمی معتبر استفاده شد. جهت گردآوری متغیرهای پژوهش از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شد و برای محاسبه متغیر معاملات با اشخاص وابسته از پروتجا یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی (دانلود از طریق سایت کدال) استفاده شده است.

۶- مدل و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش برای آزمون فرضیه اول از مدل (۱) استفاده می‌گردد (نگویان، ۲۰۲۰) و برای محاسبه متغیر اجتناب مالیاتی از دو شاخصه نرخ مؤثر مالیات نقدی و نرخ مؤثر مالیات تعهدی استفاده شد. بر این اساس، جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش هر کدام از مدل‌های (۲) و (۳) دومرتبه برآورد گردیده است که در هر مرتبه یکی از این دو شاخصه در جایگاه متغیر اجتناب مالیاتی (متغیر وابسته) قرار گرفته است.

مدل (۱):

$$Ta_C_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Abn_Rpt_{it} + \alpha_2 Size_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 Roa_{it} + \alpha_5 Growth_{it} + \alpha_6 Mb_{it} + \alpha_7 Capint_{it} + \alpha_8 Inv_{it} + \alpha_9 Years_{it} + \alpha_{10} Industry_{it} + \varepsilon$$

Ta_C_{it} : نرخ مؤثر مالیات نقدی، Ta_A_{it} : نرخ مؤثر مالیات تعهدی، Abn_Rpt_{it} : معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، $Size_{it}$: اندازه شرکت، LEV_{it} : اهرم مالی، Roa_{it} : بازده دارایی‌ها، $Growth_{it}$: رشد فروش، Mb_{it} : ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، $Capint_{it}$: دارایی‌های ثابت، Inv_{it} : موجودی کالا، $Years_{it}$: سال، $Industry_{it}$: صنعت.

جهت پذیرش فرضیه اول پژوهش، پس از تخمین مدل (۱) و در صورتی که ضریب α_1 مثبت و معنادار باشد، فرضیه

ج) متغیر تعدیل‌گر: در این پژوهش مالکیت دولتی است و به صورت یک متغیر مجازی محاسبه شده است. بدین صورت که اگر دولت به واسطه یک سازمان دولتی (مانند شهرداری‌ها، بنیاد مستضعفین و...) یا مالکیت عمده یا کنترل داشته باشد به عنوان یک شرکت با مالکیت دولتی در نظر گرفته می‌شود و به آن عدد یک و در غیر این صورت به آن عدد صفر اختصاص داده می‌شود (نگویان، ۲۰۲۰).

چ) متغیرهای کنترلی: به شرح زیر است:

اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت i در سال t . اهرم مالی: نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت i در سال t . نرخ بازده دارایی‌ها: نسبت سود بعد از مالیات به کل دارایی‌های شرکت i در سال t .

رشد فروش شرکت: فروش سال جاری منهای فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل شرکت i در سال t . ارزش بازار حقوق صاحبان سهام: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t . دارایی‌های ثابت: نسبت دارایی‌های ثابت بعد از استهلاک (اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات) به کل دارایی‌ها شرکت i در سال t محاسبه می‌گردد. موجودی کالا: نسبت موجودی کالا به کل دارایی‌ها شرکت i در سال t محاسبه می‌گردد.

۷- یافته‌های پژوهش

غیرعادی با اشخاص وابسته ابتدا میزان معاملات با اشخاص وابسته از طریق نسبت مجموع معاملات خرید و فروش با اشخاص وابسته به کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود (حبیب و همکاران^۱، ۲۰۱۷).

در ادامه به پیروی از جیان و وانگ (۲۰۱۰) و یه، شو و سو^۲ (۲۰۱۲) از متغیر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته استفاده می‌شود. معاملات با اشخاص وابسته ممکن است برای برآوردن نیازهای اقتصادی شرکت‌ها در یک گروه تجاری بزرگ و یا بهره‌برداری و سوءاستفاده از ثروت سهامداران به نفع عده‌ای خاص و فعالیت‌های استثماری شرکت‌ها را نشان دهد (یه و همکاران، ۲۰۱۲).

مدل (۳)

$$RPT_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SIZE_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 GROWTH_{i,t} + \beta_4 MB_{i,t} + Year_t + INDUSTRY_t + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$RPT_{i,t}$: معاملات با اشخاص وابسته شرکت i در سال t .
 $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t .
 $LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t .
 $Growth_{i,t}$: رشد فروش شرکت i در سال t .
 $MB_{i,t}$: نسبت ارزش بازار به دفتری شرکت i در سال t .
 $Year_t$ و $INDUSTRY_t$: نیز متغیرهای سال و صنعت هستند که در مدل لحاظ شده‌اند و $\varepsilon_{i,t}$: جز خطای مدل است که به عنوان متغیر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته در نظر گرفته می‌شود (نگویان^۳، ۲۰۲۰).

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

نام متغیر	میانگین	میان	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اجتناب مالیاتی (شاخص نرخ مؤثر مالیاتی نقدی)	۰/۱۴۰	۰/۱۴۳	۰/۲۴۸	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲	۰/۳۳۱	۲/۴۰۸
اجتناب مالیاتی (شاخص نرخ مؤثر مالیاتی تعهدی)	۰/۰۷۹	۰/۰۵۷	۰/۲۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۸۲	۰/۴۵۰	۱/۶۵۹
معاملات عادی با اشخاص وابسته	۰/۴۳۲	۰/۴۵۳	۰/۸۶۰	۰/۰۳۷	۰/۱۶۳	-۰/۳۲۰	۲/۱۶۶
معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته	۰/۰۴۴	۰/۰۰۰	۰/۳۴۹	۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	۲/۲۵۶	۶/۸۰۹
اندازه شرکت	۱۴/۲۲۶	۱۴/۱۸۵	۱۷/۵۸۳	۱۱/۲۴۱	۱/۶۵۵	۰/۱۳۷	۲/۴۶۰
اهرم مالی	۰/۵۶۳	۰/۵۷۰	۰/۹۵۰	۰/۱۰۴	۰/۲۴۶	۰/۰۰۳	۲/۴۵۶
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۱۳۵	۰/۱۰۳	۰/۴۲۹	۰/۰۰۰	۰/۱۲۷	۰/۸۳۹	۲/۷۱۳
رشد فروش شرکت	۱/۲۱۳	۱/۱۹۴	۲/۳۷۸	۰/۰۰۰	۰/۵۶۱	-۰/۰۹۷	۳/۱۷۴
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	۱/۱۳۶	۱/۰۵۹	۲/۵۲۰	۰/۰۰۵	۰/۵۶۱	۰/۳۳۸	۳/۹۱۱

^۳. Nguyen

^۱. Habib et al.

^۲. Yeh, Shu & Su

۲/۹۱۰	۰/۹۱۲	۰/۱۷۱	۰/۰۰۲	۰/۶۱۱	۰/۱۵۶	۰/۲۰۴	دارایی‌های ثابت
۲/۵۶۵	۰/۵۱۶	۰/۱۵۲	۰/۰۰۰	۰/۵۵۳	۰/۲۰۰	۰/۲۱۸	موجودی کالا

جدول ۲- شاخص‌های توصیف‌کننده متغیرهای مجازی پژوهش

نام متغیر	تعداد	اندازه‌گیری	درصد
مالکیت دولتی	۳۳۹۶	شرکت‌های دولتی	۹/۱
		شرکت‌های خصوصی	۹۰/۹

کشدگی متغیرهای اجتناب مالیاتی که بایستی بین ۰ تا ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، به ترتیب اعداد (۲/۴۰۸)؛ (۱/۶۵۹) را نشان می‌دهند و بیانگر این مطلب است که این متغیرها دارای توزیع نرمال است. چون احتمال آماره اف در مدل‌های اصلی پژوهش (۰/۰۰۰) و کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین، روش داده‌های تابلویی برای تخمین مدل‌های پژوهش پذیرفته می‌شود.

طبق جدول (۱)؛ میانگین و میانه متغیر اجتناب مالیاتی با استفاده از شاخصه‌های نرخ مؤثر مالیات نقدی و تعهدی به ترتیب (۰/۱۴۰) و (۰/۰۷۹) است. همچنین حداکثر متغیر اجتناب مالیاتی با استفاده از شاخص‌های نرخ مؤثر مالیات نقدی و تعهدی به ترتیب اعداد (۰/۳۴۸) و (۰/۲۲۸) است. در بین متغیرهای پژوهش متغیر انحراف معیار اجتناب مالیاتی (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی) دارای کمترین میزان پراکندگی و متغیر اندازه شرکت بیشترین میزان پراکندگی را دارد. بررسی میزان

جدول ۳- نتیجه آزمون اف لیمر

نوع آزمون	مقدار آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
آزمون اف لیمر مدل اول (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	۲/۹۲۵	۰/۰۰۰	مدل پانل (دارای اثرات ثابت) است
آزمون اف لیمر مدل اول (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)	۱۱/۱۵۴	۰/۰۰۰	مدل پانل (دارای اثرات ثابت) است
آزمون اف لیمر مدل سوم (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	۲/۸۹۸	۰/۰۰۰	مدل پانل (دارای اثرات ثابت) است
آزمون اف لیمر مدل چهارم (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)	۱۱/۱۵۸	۰/۰۰۰	مدل پانل (دارای اثرات ثابت) است

مدل (۲) برای شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی (۰/۵۷۳) و بیشتر از ۰/۰۵ است که بیانگر این است که شاخص دوم مدل (۲) باید به روش اثرات تصادفی برآورد گردد. همچنین، سطح معناداری حاصل از آزمون هاسمن برای مدل (۳) و هر دو شاخص اجتناب مالیاتی کمتر از سطح ۰/۰۵ است و بیانگر آن است که از روش اثرات ثابت برای تخمین مدل دوم پژوهش استفاده می‌گردد.

چون مدل پانل است از آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. سطح معناداری حاصل از آزمون هاسمن برای مدل مربوط به فرضیه اول و مدل مربوط به فرضیه دوم کمتر از سطح ۰/۰۵ است؛ بنابراین، از روش اثرات ثابت برای تخمین مدل مربوط به شاخص اول اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات نقدی) فرضیه اول رگرسیونی استفاده می‌گردد. از طرفی، سطح معناداری

جدول ۴- نتیجه آزمون هاسمن

نوع آزمون	مقدار آماره کای اسکوتر	مقدار احتمال	نتیجه
آزمون هاسمن مدل اول (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	۲۶/۹۲۹	۰/۰۰۲	مدل دارای اثرات ثابت است
آزمون هاسمن مدل اول (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)	۸/۵۶۴	۰/۵۷۳	مدل دارای اثرات تصادفی است
آزمون هاسمن مدل دوم (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	۲۸/۲۳۰	۰/۰۰۵	مدل دارای اثرات ثابت است
آزمون هاسمن مدل دوم (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)	۹/۲۰۳	۰/۶۸۵	مدل دارای اثرات تصادفی است

کار با استفاده از روش وزن دهی حداقل مربعات تعمیم‌یافته (*GLS*) با استفاده از نرم‌افزار ایویوز انجام می‌شود. همچنین، سطح معناداری آزمون بروش گودفری^۲ برای بررسی خودهمبستگی سریالی جز خطای مدل کمتر از ۰/۰۵ و نشان‌دهنده وجود خودهمبستگی سریالی مرتبه دوم در مدل‌های پژوهشی است.

آزمون بررسی ثابت بودن واریانس و خودهمبستگی جمله خطا: نتایج آزمون آرچ^۱ برای مدل‌های رگرسیونی شماره (۲) و (۳) نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه شده برای شاخص‌های این مدل‌ها کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۰)، از این رو، فرضیه صفر آزمون مبنی بر همسانی واریانس رد می‌شود. لذا مشکل ناهمسانی واریانس در مدل‌ها وجود دارد که در مدل نهایی رفع می‌شود و این

جدول ۵- نتیجه آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی اجزای اخلاص

مدل	آزمون ناهمسانی واریانس	آزمون خودهمبستگی
آماره سطح معناداری	آماره سطح معناداری	آماره سطح معناداری
مدل اول (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	۳۲۷/۰۹۱	۲۳۵/۴۹۴
مدل اول (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)	۱۰۳۶/۱۷۴	۱۳۳۲/۲۲۰
مدل دوم (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	۳۳۶/۳۶۸	۲۳۳/۶۵۳
مدل دوم (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)	۱۰۳۷/۱۲۰	۱۳۲۶/۶۳۶

نشان می‌دهد رابطه این دو متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ به صورت معنادار نیست؛ بنابراین، بر مبنای سطح معناداری برآورد شده می‌توان عنوان نمود معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار ندارد؛ اما از طرفی طبق جدول (۶)، سطح معناداری متغیر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته در مدلی که با شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی برآورد شده است برابر با ۰/۰۲۹ است، که نشان می‌دهد رابطه این متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است و ضریب این متغیر نیز عدد (۰/۰۱۴) را نشان می‌دهد؛ بنابراین،

۸- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول: همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود مقدار سطح معناداری اف در مدل (۲) جهت تحلیل فرضیه اول (نرخ مؤثر مالیات نقدی)، برابر با ۰/۰۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از سطح خطای ۵٪ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنادار و دارای اعتبار است. هدف فرضیه اول بررسی رابطه معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی است. لذا، سطح معناداری متغیر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته (۰/۴۴۷) است که

². Breusch-Godfrey Serial Correlation LM Test

¹. Arch test

بر مبنای ضرایب برآورد شده می‌توان عنوان نمود معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات تعهدی) رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین، ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نیز ۰/۴۷۸ درصد است،

این ضریب بیان‌گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۴۷٪ از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می‌باشند.

جدول ۶- نتایج حاصل از آزمون مدل فرضیه اول پژوهش

نام متغیر	ضریب بتا (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	سطح معناداری (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	ضریب بتا (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)	سطح معناداری (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)
معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته	۰/۰۰۷	۰/۴۴۷	۰/۰۱۴	۰/۰۲۹
اندازه شرکت	-۰/۰۰۲	۰/۲۳۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۰۹	۰/۰۳۲	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۰
نرخ بازده دارایی‌ها	-۰/۰۳۶	۰/۰۰۱	۰/۰۲۲	۰/۰۲۰
رشد فروش شرکت	۰/۰۰۰	۰/۸۰۰	-۰/۰۰۳	۰/۱۳۴
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	-۰/۰۰۰	۰/۱۴۳	۰/۰۰۰	۰/۶۲۲
دارایی‌های ثابت	۰/۰۱۷	۰/۰۰۵	۰/۰۲۰	۰/۰۰۱
موجودی کالا	-۰/۰۰۶	۰/۴۳۳	-۰/۰۰۸	۰/۲۹۰
وقفه اول جز خطای مدل	۰/۱۷۴	۰/۰۰۰	۰/۵۶۹	۰/۰۰۰
وقفه دوم جز خطای مدل	-۰/۰۵۵	۰/۰۰۷	۰/۱۴۶	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	-۰/۵۲۶	۰/۵۶۳	۰/۵۸۶	۰/۳۱۲
اثرات سال و صنعت				
آماره اف (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)		آزمون دوربین واتسون (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی) (۲/۰۸۲)		
(۷/۴۸۸)				
سطح معناداری اف (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی) (۰/۰۰۰)		ضریب تعیین تعدیل شده (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی) (۰/۴۰۳)		
آماره اف (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)		آزمون دوربین واتسون (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی) (۱/۹۳۰)		
(۲۱۶/۷۶۲)				
سطح معناداری اف (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی) (۰/۰۰۰)		ضریب تعیین تعدیل شده (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی) (۰/۴۷۸)		

همان‌طور که مشاهده می‌شود، سطح معناداری متغیر اثر تعدیل‌گری مالکیت دولتی و معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته (۰/۰۴۹) است که نشان می‌دهد رابطه این دو متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ به‌صورت معنادار است و ضریب این متغیر نیز عدد (۰/۰۰۱-) را نشان

نتایج آزمون فرضیه دوم: همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود سطح معناداری در مدل (۳) جهت تحلیل فرضیه دوم (نرخ مؤثر مالیات نقدی)، برابر با ۰/۰۰۰ است. بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنادار است.

تعهدی برآورد شده است برابر با (۰/۰۰۴) است که نشان می‌دهد رابطه این متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است و ضریب این متغیر نیز عدد (۰/۰۴۵-) را نشان می‌دهد؛ بنابراین، بر مبنای ضرایب برآورد شده می‌توان عنوان نمود مالکیت دولتی بر رابطه میان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات تعهدی) تأثیر منفی و معنادار دارد. ضریب تعیین تعدیل‌شده بیان‌گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۵۱٪ از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می‌باشند.

می‌دهد؛ بنابراین، بر مبنای سطح معناداری برآورد شده می‌توان عنوان نمود مالکیت دولتی بر رابطه میان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات نقدی) تأثیر منفی و معنادار دارد. همچنین، ضریب تعیین تعدیل‌شده بیان‌گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۴۱٪ از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا هستند. همچنین، با توجه به جدول (۸)، سطح معناداری متغیر اثر تعدیل‌گری مالکیت دولتی و معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته در مدلی که با شاخص نرخ مؤثر مالیات

جدول ۷- نتایج حاصل از آزمون مدل فرضیه دوم پژوهش

نام متغیر	ضریب بتا (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	سطح معناداری (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی)	ضریب بتا (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)	سطح معناداری (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی)
معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته	۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	-۰/۰۰۰	۰/۸۹۵
مالکیت دولتی	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۱
اثر تعدیل‌گری مالکیت دولتی و معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۵	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۷۳۰
نرخ بازده دارایی‌ها	-۰/۰۳۴	۰/۰۱۷	۰/۰۱۵	۰/۱۴۵
رشد فروش شرکت	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۰	۰/۷۶۹
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	۰/۵۸۰
دارایی‌های ثابت	۰/۰۱۹	۰/۰۰۹	۰/۰۱۷	۰/۰۰۸
موجودی کالا	-۰/۰۰۴	۰/۰۱۲	-۰/۰۱۲	۰/۱۰۵
وقفه اول جز خطای مدل	۰/۱۸۰	۰/۰۹۸	۰/۶۱۴	۰/۰۰۰
وقفه دوم جز خطای مدل	-۰/۰۵۰	۰/۰۷۹	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	-۰/۲۷۵	۱/۰۸۸	-۱/۳۱۶	۰/۰۱۹
اثرات سال و صنعت				کنترل شد
آماره اف (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی) (۷/۶۷۶)				آزمون دوربین واتسون (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی) (۲/۰۸۲)
سطح معناداری اف (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی) (۰/۰۰۰)				ضریب تعیین تعدیل‌شده (شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی) (۰/۴۱۱)
آماره اف (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی) (۲۱۶/۱۸۶)				آزمون دوربین واتسون (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی) (۱/۹۷۵)
سطح معناداری اف (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی) (۰/۰۰۰)				ضریب تعیین تعدیل‌شده (شاخص نرخ مؤثر مالیات تعهدی) (۰/۵۱۶)

۹- بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تعریف آمار سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱، اصطلاح مالیات به پرداخت‌های اجباری و بلاعوض افراد و شرکت‌ها به دولت اطلاق می‌شود. از طرفی برآوردهای نهادهای بین‌المللی حاکی از آن است که معمولاً درآمدهای دولت‌ها متناسب با خدمات و مزایایی که به افراد، مشاغل و جوامع می‌دهند نیست (کرامارووا^۲، ۲۰۱۹). طبق آمار سازمان مذکور، برآورد محافظه‌کارانه از دست دادن درآمد مالیاتی ناشی از اجتناب مالیاتی مبتنی بر معاملات با اشخاص وابسته در کشورهای درحال توسعه تقریباً ۴/۴٪ از کل درآمد مالیاتی در کل جهان در سال ۲۰۱۶ است (تسلیخ، کنیازیا، پوپکوا و دورفی^۳، ۲۰۱۶). در سال‌های اخیر نوع جدیدی از اجتناب مالیاتی به وجود آمده است که در آن افراد و شرکت‌های وابسته با یکدیگر همکاری می‌نمایند تا دارایی‌ها، درآمدها یا اطلاعات را از طریق معاملات با اشخاص وابسته و قیمت‌گذاری نادرست معاملات پنهان نمایند که به آن اجتناب مالیاتی مبتنی بر معاملات وابسته گویند (تیان، تیان، کائومینگ، گودوین، ژنگ^۴، ۲۰۱۶).

روابط تعاملی ناهمگون، پیچیده و پنهانی متنوع هستند و عمدتاً به‌وسیله شرکت‌ها و از طریق قیمت‌گذاری نادرست برای اجتناب از پرداخت مالیات استفاده می‌شوند (سانتوسا و سوزان^۵، ۲۰۱۸).

ممکن است شرکت‌ها و مدیریت انگیزه داشته باشند تا از طریق معاملات با اشخاص وابسته و توسط عوامل عینی، به‌عنوان مثال، استراتژی کسب‌وکار گروه تجاری به‌عنوان یک کل تلاش نمایند تا موقعیت گروه را در بازار با توجه به شرایط اقتصادی بازار و معاملاتی که در آن صورت می‌گیرد، ارتقا دهند؛ اما در برخی موارد، چنین

معاملاتی با انگیزه یک تلاش برای به حداقل رساندن بدهی مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات و از طرفی کسب منافع شخصی از این‌گونه سودها صورت می‌گیرد (کارمارووا ۲۰۲۱؛ نکویان، ۲۰۲۰). در این میان مالکان دولتی به‌عنوان بخشی از سهامداران شرکت و درعین حال دولت تمایلی به از دست رفتن منافع و مزایای خود و دولت ندارند؛ بنابراین، تلاش می‌نمایند تا با استفاده از نظارت مؤثر بر مدیریت این‌گونه اقدامات فرصت‌طلبانه مدیریت را تا حد امکان مدیریت و تعدیل نمایند (نکویان، ۲۰۲۰). لذا، دو فرضیه به شرح زیر با توجه به شرایط حاکم بر شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران مطرح گردید.

فرضیه اول: معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار دارد.

فرضیه دوم: مالکیت دولتی بر رابطه میان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معنادار دارد.

بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده در فرضیه اول پژوهش که از شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی برای محاسبه متغیر اجتناب مالیاتی (متغیر وابسته) استفاده شده است، فرضیه رد شد و می‌توان عنوان نمود که معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات نقدی) رابطه معنادار ندارد؛ اما نتایج همین فرضیه و مدل (فرضیه اول) که از نرخ مؤثر مالیات تعهدی برای محاسبه متغیر اجتناب مالیاتی (متغیر وابسته) استفاده شده بود در سطح معناداری ۹۵٪ نشان داد معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار دارد. در تفسیر نتایج این فرضیه بر اساس تئوری نمایندگی و تضاد منافع میان مالکیت و مدیریت؛ می‌توان عنوان نمود تصمیمات و اقداماتی مانند اقلام تعهدی،

^۴. Tian, Tian, Kuo-Ming, Godwin, Zhengg

^۵. Santosa and Suzan

^۱. Organization for Economic Cooperation and Development

^۲. Kramarova

^۳. Tselykh, Knyazeva, Popkova & Durfee

مالیات معوق، قیمت‌گذاری انتقالی و اهرم که در مجموع به‌عنوان اختیاری شناخته می‌شوند، تصمیمات مدیریتی هستند که هدف آن‌ها کاهش سودآوری شرکت به‌قصد کاهش تعهدات مالیاتی به دولت است، اما از طرفی مدیریت این منابع و وجوه آزاد که با استفاده از ارقام تعهدی به دولت نپرداخته است را در جهت منافع شخصی استفاده می‌نمایند. نتایج فرضیه حاضر با یافته‌های پژوهش‌های (نگویان، ۲۰۲۰) و هاریانتو و دیستاساری (۲۰۲۳) همسو و هم‌جهت است.

نتیجه فرضیه دوم نشان داد که مالکیت دولتی بر رابطه میان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معنادار دارد. این نتایج نشان می‌دهد مالکیت دولتی به‌واسطه حق نظارت و کنترل قابل‌توجهی که در فرایند عملیاتی شرکت‌ها دارد با به حداقل رساندن معاملات با اشخاص وابسته از منافع سهامداران خرد محافظت نموده و هزینه‌های نمایندگی را کاهش داده است. از طرفی، با واقعی نمودن سودآوری شرکت‌ها میزان مالیات پرداختی به دولت نیز واقعی و مخارج سرمایه در گردش دولت را تأمین می‌کند که باعث توزیع عادلانه ثروت و درآمد در بین اعضای جامعه می‌گردد. نتایج فرضیه حاضر با یافته‌های پژوهش‌های (نگویان، ۲۰۲۰) و برداشاو و همکاران (۲۰۱۸) همسو و هم‌جهت است. به‌طور کلی مطابق نظریه تضاد منافع و تئوری نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته به‌طور فرصت‌طلبانه‌ای توسط مدیران جهت کسب منافع شخصی استفاده می‌شود و منجر به دست‌کاری سود و اجتناب مالیاتی بیشتری می‌شود و به دلیل نگرانی مدیران شرکت‌های دولتی از فقدان ارتباط با دولت و انتظار ارتقاء مدیران دولتی در آینده به معامله با اشخاص وابسته فرصت‌طلبانه کمتری روی می‌آورند و در نتیجه اجتناب مالیاتی کمتری دارند. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود از متغیرهای جایگزین برای متغیرهای اجتناب مالیاتی برای دوره‌های طولانی استفاده گردد. همچنین در بحث مالکیت استفاده از سایر متغیرهای مالکیت و در باب مالکیت دولتی تقسیم‌بندی آن به مالکیت دولتی مرکزی و مالکیت دولتی محلی به خاطر اعمال نظارت بیشتر بر شرکت‌های با مالکیت دولتی مرکزی نسبت محلی‌ها و در آخر

پیشنهاد می‌گردد با توجه به ورود کرونا و قوانین محدودکننده و تغییر رفتار شرکت‌ها به خاطر قرنطینه و ممنوعیت سفر و ... با توجه به رکود طولانی مدت تقاضای بازار احتمالاً باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی که مقید به پول نقد هستند، به‌مرور از بازار حذف شوند؛ بنابراین، سیاست‌گذاران در حوزه مالیاتی و قوانین مالیاتی به‌سرعت در این خصوص دخالت نکنند، می‌تواند موجب بحران نقدینگی شود.

فهرست منابع

آقایی، محمدعلی؛ حسن حسنی؛ و حسن باقری. (۱۳۹۷). نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. **مطالعات تجربی حسابداری مالی** ۱۵ (۵۷): ۲۴-۴۷.

بادآور نهندی، یونس؛ برادران حسن‌زاده، رسول و غفور شریف‌زاده. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساختارهای مدیریتی و مالکیتی حاکمیت شرکتی بر هزینه‌های نمایندگی. **فصلنامه حسابداری مالی**، ۶ (۲۴): ۱۴۳-۱۶۹.

بندریان، امیرعلی؛ علیرضا سامانیان و کورش مسیحی پور. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته با ارزش شرکت: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت**، ۳۵ (۴): ۱۵-۳۲.

جلالی، فاطمه؛ عباس هشی؛ وحید دانشی و هدی کامرانی. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین عدم اطمینان محیطی، مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۱۲ (۴۶): ۱۳۳-۱۴۶.

خدایی پور، احمد و یونس برزایی. (۱۳۹۴). تأثیر رقابت بازار محصول بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهشنامه مالیات** ۲۵: ۲۱۱-۲۲۷.

خواجوی، شکراله؛ هاشم، ولی پور و هاشم کاویانی فرد. (۱۳۹۷). بررسی نقش و انگیزه هیئت‌مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت. **دانش حسابداری مالی** ۵ (۲): ۵۹-۸۴.

- Strategies. Pamulang University Scientific Journal of Accounting P-ISSN 25(93): 2339-2350.*
- Fuest, C., C. Spengel., K. Finke., J. Heckemeyer & H. Nusser. (2013). Profit shifting and 'aggressive' tax planning by multinational firms: Issues and options for reform: ZEW. Centre for European Economic Research discussion paper 13: 132-156.
- Gavana, G., P. Gottardo & A. M. Moisello. (2022). Related party transactions and earnings management in family firms: the moderating role of board characteristics. *Journal of Family Business Management* 15: 1-28.
- Gordon, E. A., E. Henry & D. Palia. (2004a). Determinants of related party transactions and their impact on firm value. Paper read at American Accounting Association 2004 Annual Conference Paper.
- Habib, A., A. H. Muhammadi & H. Jiang. (2017). Political connections, related party transactions, and auditor choice: Evidence from Indonesia. *Journal of Contemporary Accounting & Economics* 13(1): 1-19.
- Hanlon, M & S. Heitzman. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics* 50 (2-3): 127-178.
- Hasan, M. M., G. J. Lobo & B. Qiu. (2021). Organizational Capital, Corporate Tax Avoidance, and Firm Value. *Journal of Corporate Finance* 70: 102-135.
- Haryanto, S. D & R. A. Ditasari. (2023). Related Party Transactions, Tax Avoidance, and Firm Value: Emerging Market Indonesia. *Asia Pacific Journal of Business Economics and Technology* 3 (1): 127-143.
- Huang, H & W. Zhang. (2019). Financial expertise and corporate tax avoidance. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics* 27 (3): 1-15.
- خواجوی، شکراله؛ غلامرضا رضایی و لیلا فانی. (۱۴۰۱). رابطه بین اجتناب مالیاتی و ضعف کنترل‌های داخلی. **فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی**، ۱ (۱): ۴۷-۶۶.
- رجایی زاده هرندی، احسان و جابر عشوری. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر تخصص مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری** ۵ (۸۳): ۱۲۸۱-۱۲۹۵.
- رضائی پیتته نوئی، یاسر و محمد غلامرضا پور. (۱۳۹۹). واکاوی اجتناب مالیاتی در پرتو ساختار مالکیت با نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی. **فصلنامه حسابداری مالی**، ۱۲ (۴۶): ۲۲-۴۸.
- نیاوند، مجید. (۱۴۰۰). بررسی تحلیلی درآمدهای دولت ایران و تحقق درآمدهای مالیاتی. **دانش حقوق مالیه** ۵ (۱۸): ۱۴-۲۱.
- Ardillah, K & Y. Vanesa. (2022). Effect of Corporate Governance Structures, Political Connections, and Transfer Pricing on Tax Aggressiveness. *SRIWIJAYA INTERNATIONAL JOURNAL OF DYNAMIC ECONOMICS AND BUSINESS* 6 (1): 51-72.
- Boubaker, S., I. Derouiche & H. Nguyen. (2022). Voluntary Disclosure, Tax Avoidance and Family Firms. *Journal of Management and Governance* 26 (1): 129-158.
- Bradshaw, M, G. Liao & M. Ma. (2018). Ownership structure and tax avoidance: Evidence from agency costs of state ownership in China. Available at SSRN 2239837.
- Cai, J., Y. Liu., Y. Qian & M. Yu. (2015). Information Asymmetry and Corporate Governance. *Quarterly Journal of Finance* 5 (03): 125-149.
- Chen, G-Z. (2023). Social ties and related party transactins. *Journal of Accounting, auditing & taxation* 23(4): 1- 83.
- Darma, S. S. (2019). The Effect of Related Party Transactions and Thin Capitalization on Tax Avoidance

- mekanisme bonus terhadap transfer pricing. Kajian Akuntansi 19(2): 76-83.*
- Sritharan, N., S. Salawati & C-S. S. Cheuk. (2021). *How Social Factor Determine Individual Taxpayers' Tax Compliance Behaviour in Malaysia? International Journal of Business and Society 21(3): 1444-1463.*
- Supatima, S., S. Sutrisno, E. saraswati., B. Purnomosidhi. (2021) *Abnormal related party transactions, political connection, and firm value: evidence from Indonesian firms. International journal of business and society 22(1): 461-478.*
- Tian, F., L. Tian, C. Kuo-Ming., N. Godwin., Q. Zheng., N. Shah & F. Zhang. (2016) *Mining suspicious tax evasion groups in big data. IEEE Transactions on Knowledge and Data Engineering 28(10): 2651-2664.*
- Tselykh, A., M. Knyazeva., E. Popkova & A. Durfee. (2016). *An attributed graph mining approach to detect transfer pricing fraud. In Proceedings of the 9th International Conference on Security of Information and Networks 42: 72-75.*
- Yeh, Y. H., P.G. Shu & Y. H. Su. (2012). *Related-party transactions and corporate governance: The evidence from the Taiwan stock market. Pacific-Basin Finance Journal 20 (5): 755-776.*
- Ying, Q & L. Wang. (2013). *Propping by controlling shareholders, wealth transfer and firm performance: Evidence from Chinese listed companies. China Journal of Accounting Research 6: 133-147.*
- Huang, D.T & Z. C. Liu. (2010). *A Study of The Relationship Between Related Party Transactions and Firm Values in High Technology Firms in Taiwan and China. African Journal of Business Management 4 (9): 1924-1931.*
- Jian, M & T. J. Wong. (2010). *Propping through related party transactions. Review of Accounting Studies 15 (1):70-105.*
- Kramarova, K., V. Bartosova., L. Gajanova & A. Havelkova. (2019). *Transfer Pricing and Controlled Transactions in Connection with Earnings Management and Tax Avoidance. Globalization and its Socio-Economic Consequences 92: 1-9.*
- Nguyen, T. T. M. (2020). *Related Party Transactions, State Ownership, the Cost of Corporate Debt, and Corporate Tax Avoidance: Evidence from Vietnam. PHD thesis,*
- 31)Nuritomo, A, S. Utama & A. A. Hermawan. (2018). *Foreign Related Parties Transactions as Tax Avoidance Strategy in Indonesia: The Role of Corporate Governance. International Conference on Ethics of Business, Economics, and Social Science 305: 86-92.*
- Park, J., C. Youl Ko., H. Jung & Y. S. Yong-Seok Lee. (2016). *Managerial Ability and Tax Avoidance: Evidence from Korea. Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics 23(4): 449-477.*
- Peng, W. Q., K. J. Wei & Z. Yang. (2011). *Tunneling or Propping: Evidence from Connected Transactions in China. Journal of Corporate Finance 17 (2): 306-325.*
- Ryngaert, M. & Thomas. S. (2012) *Not all related-party transactions are the same: ex_ante versus ex_post RPTs. Journal of accounting Research 50(3): 845-882.*
- Santosa, S. J. D & L. Suzan. (2018). *Pengaruh pajak, tunneling incentive, dan*

**The application of the theory of agency conflict in
explaining the role of state ownership in the
relationship between related party transactions and
tax avoidance**

Sayed Mahdi Hossaini Harandi¹

Mohsen Sadeghi^{2}*

Meysam Forooghi³

Abstract:

In modern economies, taxation is the most important source of government revenue. On the other hand, since taxes reduce the wealth and value of companies, companies are always looking for ways to avoid paying taxes. Among these ways, one can refer to related party transactions and transfer pricing. In this context, state-owned companies can act as an effective corporate governance mechanism against management actions such as related party transactions with the intention of tax avoidance due to their role in protecting government interests. Given the above, the aim of this research is to examine the relationship between related party transactions and tax avoidance considering the moderating effect of state ownership. This research is applied in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of method. The researcher found that related party transactions and tax avoidance have a significant positive relationship using a sample of 283 accepted companies on the Tehran Stock Exchange during 2011-2022 and multiple linear regression, while there is no significant relationship using the cash effective tax rate index. Furthermore, the results showed that state ownership has a significant negative impact on the relationship between related party transactions and tax avoidance. However, this study's results indicate that regulatory framework should be reconsidered for considering related party transactions to protect minority shareholders' interests in non-state-owned companies.

Keywords: *Related Party Transactions, Related Party Unusual Transactions, Tax Avoidance, State Ownership*

¹ *Ph. d candidate, Department of accounting, mobarakehbranch, islamicazad university, Isfahan, iran Hosseini.harandi@mau.ac.ir*

² *Assistant professor, Department of accounting, mobarakehbranch, islamicazad university, Isfahan, iran (corresponding. author). Mohsen_ms_sadeghi@yahoo.com*

³ *Assistant professor, Department of accounting, mobarakehbranch, islamicazad university, Isfahan, iran Meysam.forooghi@mau.ac.ir*